

سهل‌انگاری در سیاست‌گذاری و بروز مشکلات پیچیده در جامعه

آنچه ما در نظام‌های قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری ایران شاهد هستیم ساده‌سازی مسائل و موضوعات برای سرعت بخشیدن به روند سیاست‌گذاری و تصویب قوانین و مقررات است. گرچه این دیدگاه باعث تسریع شده ولی اکنون در کشور ما کوهی از قوانین و مقررات انباشته وجود دارد که یا هیچگاه فرصت اجرا پیدا نکرده‌اند و یا اجرای آنها نتوانسته مشکلات جامعه را حل کند. اگر بخواهیم مثالی در این خصوص ارائه دهیم خوب است که از زندگی روزمره خودمان باشد. آلودگی شهر تهران را مد نظر قرار دهیم. به خیابانها که نگاه می‌کنید ملاحظه می‌شود که انبوهی از اتومبیل‌های تک سرنشین، اتومبیل‌های از رده خارج، کامیون‌ها و اتوبوس‌های به شدت دود زا در پشت چراغ‌های راهنمایی و رانندگی متوقفند و یا در ترافیک‌های سنگین اتوبان‌های بزرگ با سرعت‌های ناچیز در حال فرسودن زمان و زانوهای خود هستند، ولی چرا اینگونه شده است؟ چرا ما نتوانسته ایم تعداد قابل توجهی از این افراد را متقاعد کنیم که اتومبیل‌های شخصی در طول روز در پارکینگ‌ها بمانند و افراد از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند؟ نگاهی به حجم وسیع خدمات حمل و نقل عمومی در تهران نشان می‌دهد که این خدمات وسیع و مدرن هستند ولی باز عده زیادی ترجیح می‌دهند که از وسایل حمل و نقل شخصی استفاده کنند. اگر بخواهیم از دیدگاه اقتصادی به این موضوع نگاه کنیم باید قبول کنیم که قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران نتوانسته‌اند تردد وسایل شخصی در ترافیک تهران را غیراقتصادی کنند. لذا ملاحظه می‌گردد که با سهل‌انگاری در چنین موضوعاتی هرج و مرج در سطح شهر حاکم شده است. این سهل‌انگاری‌ها را در سایر شئون زندگی امروزه مردم ایران نیز می‌توان دید. فرار سهل و آسان ثروتمندان از پرداخت مالیات، پرداخت بدون ضابطه یارانه به همه مردم، نظام بانکی با وام‌های با نرخ بهره دو رقمی (در

دنیايي که يا نرخ های بهره به صفر نزديک شده و يا منفي هستند) و بالاخره چاه های آب غير مجاز که بلای جان طبيعت ايران شده اند، مثال های بارز سهل انگاری در سياست گذاری اقتصادی و اجتماعی هستند که خسارت های جبران ناپذیری به مردم و کشور وارد می کنند و تبعات آن گاه جبران ناپذیر است و گاه برای جبران آن سالها باید توان و منابع کشور صرف گردد. گذشته از انگیزه های عوام گرایانه و تلاش برای جلب رضایت عمومی از طریق راهکارهای غير اصولی و فریبکارانه، ریشه این سهل انگاریها را باید در این واقعیت دانست که تخصص گرایی در کشور ما کوچک انگاشته شده و ارزش گذاری لازم به خدمات کسانی که صاحب صلاحیت برای قرار گرفتن در این کرسیها هستند صورت نگرفته است و لذا نهادهای سياست گذار عمدتاً در اشغال کسانی است که يا صلاحیت و سواد لازم برای تکیه زدن بر آن جایگاه را ندارند و يا دست در گریبان مشکلات شخصی از پرداخت اجاره خانه و هزینه های روزمره زندگی خود به دنبال شغل دوم و سوم هستند و يا در یک نگاه بدبینانه کرسیهای سياست گذاری را مبنای معاملات و تعاملات مالی خود قرار داده و منافع جمع را فدای منافع شخصی می کنند. به نظر اینجانب اگر بخواهیم آینده کشور رو به سامان باشد ابتدا باید نظام سياست گذاری در کشور را سامان بدهیم و از میدان دادن به متخصصان هراسی نداشته باشیم و دامان سياست گذاری را از نظریات غير علمی، خرافه گرایی و تعصب برهانیم. اینکه کسی در جایی حرفی زده است، درست، ولی آیا ما باید به خاطر آن همچنان کشور و ملت خود را در بن بست نگاه داریم؟ و در آخر این که باید گاهی با خود خلوت کرده و نجوا نمود: تو خود حجاب خودی حافظ، از میان برخیز.

سعید امیریان